

بسم الله الرحمن الرحيم

1400/04/23

**موضوع:** برای دفاع از حریم امامت، باید کمر همت را اینگونه محکم بست!

**بنیاد امامت**

**فهرست مطالب این برنامه:**

برای دفاع از حریم امامت، باید کمر همت را محکم بست!

افتخار و مباهات امام باقر (سلام الله علیه) به وجود شاگرد خود!

تعبیر عجیب امام صادق (سلام الله علیه) در حق «حمران بن اعین»!

مباهات امام صادق (سلام الله علیه) به وجود «هشام بن حکم»!

چهار گروه هدف، در تبلیغ معارف اهل بیت (علیهم السلام)

مثلث مقدس برای تقویت بنیه های اعتقادی جوان های شیعه

نقد قوی ترین دلیل اهل سنت بر خلافت ابوبکر

خاطره جالب استاد سبحانی از خلع سلاح یک عالم اهل سنت!

یک جواب نقضی جالب، برای ساکت کردن جسارت وهابی ها

فرقه «احمد الحسن»، فرقه ای خطرناک تر از داعش!

سؤالات حاضرین در جلسه!

## آیت الله حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله والصلاة  
على رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء  
الله. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و خدا را شاکریم که توفیق‌مان داد تا در  
جمع عزیزان آماده برای دفاع از حریم ولایت، حضور پیدا کنیم.

بنده چند نکته را در عرض بیست دقیقه تا نیم ساعت اشاره می‌کنم، بعد اگر دوستان سوالی دارند در خدمتشان  
هستم.

عزیزانی که از راه دور یا از نزدیک آمده‌اند حتما مستحضر هستند که هدف نهایی از این برنامه‌ها، مجهز شدن  
به تجهیزات علمی و فنی برای دفاع از حریم ولایت است.

من ابتدا یک نکته‌ای را خدمت عزیزان عرض کنم، و آن اینکه عزیزانی که می‌خواهند وارد این عرصه بشوند  
کسی اجبارشان نکرده، با میل خودشان با توفیق خدای عالم این مسیر را انتخاب کرده‌اند.

### برای دفاع از حریم امامت، باید کمر همت را محکم بست!

من توصیه می‌کنم عزیزانی که در این مسیر می‌خواهند قدم بردارند باید از همه چیز بگذرند، از آسایش،  
راحتی، رفاه و نیز هرگونه فحش، توهین، اهانت و تهدید را هم به جان بخرند.

ای که از کوچه معشوقه ما می‌گذری \*\* برحذر باش که سر می‌شکند دیوارش

نکته بعدی این است که در این مسیر اگر کسی می‌خواهد بیافتد باید با تمام توان وارد میدان شود. هم خدا  
و هم خرما امکانپذیر نیست؛ ما باید تمام وقت‌مان را برای مجهز شدن و برای دفاع از حریم ولایت قرار  
بدهیم.

من نمی‌گویم سمندر باش یا پروانه باش \*\* گر به فکر سوختن افتاده‌ای جانانه باش

کسی که در این مسیر می‌افتد حداقل باید خودش را آماده کند و در روز دوازده، تا چهارده ساعت یا بیشتر کار علمی کند؛ با توجه به تجربه 40 ساله‌ای که بنده دارم عرض می‌کنم که با کمتر از دوازده تا چهارده ساعت کار علمی در این مسیر موفقیت به دست نمی‌آید.

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود \*\* مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.

**(وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)**

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست

**سوره نجم (53): آیه 39**

بنده خودم وقتی مقداری جوان بودم روزی هفده ساعت کار می‌کردم و الآن با توفیق خدای عالم با این که نزدیک به هفتاد سال دارم، بین ده تا دوازده ساعت کار می‌کنم. اگر واقعا کمتر باشد انسان پاسخگو به سوالات و شبهات نیست و نمی‌تواند دفاع کند.

**افتخار و مباهات امام باقر (سلام الله علیه) به وجود شاگرد خود!**

نکته بعدی این است که هدف ما در این مسیر چیست؟ می‌خواهیم چه کار کنیم؟ اجازه بدهید من یک نکته‌ای را از یاران آقا امام صادق و امام باقر (سلام الله علیهما) مثال بزنم. امام صادق (سلام الله علیه) بنا به نقل «شیخ مفید» در کتاب «ارشاد» چهار هزار شاگرد تربیت کرده است.

از این چهار هزار شاگرد، چند نفر انگشت شمار هستند که دلبخواه امام صادق هستند؛ یعنی آن را که امام صادق می‌خواهد آن هستند و ما بقی نه. ملاحظه کنید شما و تعبیر را نگاه کنید که «علامه حلی» در کتاب «خلاصة الاقوال» از قول امام صادق (سلام الله علیه) نقل می‌کند که فرمود:

**«ان أبا جعفر (عليه السلام) كان يباهي بالطيار»**

امام باقر به وجود «محمد طیار» افتخار و مباهات می‌کرد.

خلاصة الأقوال؛ نویسنده: العلامة الحلي (وفات : 726)، تحقیق: الشيخ جواد القیومی، ناشر: مؤسسة

نشر الفقاهة، ص 252

شما تمام مقامات دنیا را روی هم بگذارید، کسی هزار سال شاه و رئیس جمهور کل روی زمین باشد، هزار سال مرجع تقلید کل کره زمین باشد، این را شما در یک کفه بگذارید و این عبارت را هم در یک کفه بگذارید که فرمود «ان أبا جعفر (علیه السلام) کان یباهی بالطیار»؛ که امام معصوم و حجت خدا به وجود یک فرد مباهات می‌کند!

عرض کردم از این چهار هزار نفر، شاید به تعداد انگشتان دو دست نیستند آن‌هایی که دلبخواه امام صادق (سلام الله علیه) هستند.

حال سؤال این است که چرا «یباهی بالطیار»؟ مرحوم کشی در کتاب «اختیار معرفة الرجال» در رابطه با «محمد طیار» نقل می‌کند که وقتی خبر رحلتش را به امام صادق (سلام الله علیه) می‌دهند، حضرت می‌گوید:

«رَجِمَهُ اللَّهُ وَ لَقَّاهُ نَضْرَةً وَ سُوراً فَقَدْ كَانَ شَدِيدَ الْخُصُومَةِ عَنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»

خدا او را رحمت کند و با شادمانی خدا را ملاقات کند. او با تمام توان از ما اهل‌بیت دفاع می‌کرد، با دشمنان ما با تمام توان مبارزه می‌کرد.

رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال؛ نویسنده: کشی، محمد بن عمر، محقق / مصحح: طوسی، محمد

بن حسن، ناشر: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد، سال چاپ: 1409 ق، ص 349

آیا ما می‌توانیم خودمان را به یک جایی برسانیم که آقا ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) به وجود ما افتخار و مباهات کند و ما را در دعا‌های خاصش یاد کند و به طور ویژه برای ما دعا کند!؟

## تعبیر عجیب امام صادق (سلام الله علیه) در حق «حمران بن اعین»!

نکته دوم باز از «رجال کشی» است در حدیث 494 که روایت مفصلی است. من از دوستان تقاضا می‌کنم به این روایت خوب توجه کنید. دو تا روایت در کتاب «رجال کشی» هست حالا چاپ «مشهد» باشد چاپ «آل البیت» یا چاپ «جامعه مدرسین» باشد، جلد و صفحه آن فرق می‌کند؛ ولی شماره حدیث یکی است.

مردی از «شام» در «منا» خدمت امام صادق می‌آید و می‌گوید:

**«فَصِرْتُ إِلَيْكَ لِأَنَاظِرِكَ!»**

من آمدم تا با تو مناظره کنم

او هدفش این است که با امام صادق مناظره کند، امام را شکست بدهد و برود در منطقه «شامات» افتخار کند و بگوید بله من رفتم امام شیعیان را شکست دادم!!

در کتاب «رجال کشی» حدیث 494 است و در کتاب «کافی» جلد اول صفحه 172 است. 72 شهدای کربلا را در نظر داشته باشید و عدد یک را هم اضافه کنید. برای حفظ جلد و صفحات یک تداعی باید در ذهن باشد تا همیشه اینها را در حافظه داشته باشیم.

یا کافی، کتاب الحجة، باب الاضطرار الی الحجة، حدیث شماره 2، «کافی» از قول «یونس بن یعقوب» نقل می‌کند و «کشی» هم همین‌طور!

روایت مفصل است من تقاضا می‌کنم این روایت را دوستان نه یکبار، بلکه سی بار، چهل بار و پنجاه بار بخوانند. هر شب جمعه که می‌آید بخوانند و ثوابش را به اصحاب امام صادق (سلام الله علیه) هدیه کنند.

این مرد شامی می‌آید می‌گوید می‌خواهم مناظره کنم. یکی از کسانی که در آن‌جا است «حمران بن اعین» برادر «زراره» است امام می‌گوید:

**«يَا حُمْرَانَ دُونَكَ الرَّجُلُ»**

بلند شو با ایشان مناظره کن.

«فَقَالَ الرَّجُلُ إِنَّمَا أُرِيدُكَ أَنْتَ لَا حُمْرَانَ»

به مرد شامی بر می خورد می گوید: یابن رسول الله من آمدم با تو مناظره کنم؛ با این بچه ها که نمی خواهم مناظره کنم!!

ببینید تعبیر امام صادق چیست. امام می فرماید:

«إِنْ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

امام صادق چه شاگردی تربیت کرده است، چه کار کرده است؟ «حمران» به کجا خودش را رسانده است؟ امام معصوم، حجت الله البالغه، ولی الله الاعظم می گوید:

«إِنْ غَلَبْتَ حُمْرَانَ فَقَدْ غَلَبْتَنِي»

رجال الكشي إختيار معرفة الرجال؛ كشي، محمد بن عمر ناشر: مؤسسة نشر دانشگاه مشهد محقق /

مصحح: طوسی، محمد بن حسن / مصطفوی، حسن، ص 275، ح 494

ما دنبال رسیدن به این جا هستیم که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) کارهای ما و برنامه های ما را ببیند. به تعبیر مرحوم «آیت الله العظمی بهجت» وقتی شما کاری انجام می دهید، نفس می کشید، حرف می زنید، فکر می کنید قبل از این که صدای شما به گوش شما برسد، صدای شما را حضرت ولی عصر می شنود.

از ذهن شما چیزی خطور می کند قبل از این که شما به این فکر باشید حضرت ولی عصر این را می بیند. اگر معرفت ما کمتر از این باشد وای به حال ما و بدا به حال ما!

در زیارت آل یاسین که من توصیه می کنم این دعا را حداقل شب های جمعه بخوانید. می فرماید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَرْأَى وَالْمَسْمَعِ»

درود بر تو ای آقای آقایی که تمام عالم را می بینی و همه صداها را می شنوی

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت): نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج 99، ص 93

یا تعبیر حضرت امام (رضوان الله تعالى علیه) در کتاب «مصباح الهداية» که می‌گوید: "علم امام به عالم هستی از علم عالم هستی بر خود عالم هستی قوی‌تر و نافذتر است" مرحوم «آیت الله العظمی خویی» تعبیرش این است:

« لاشبهة في ولايتهم على المخلوق باجمعهم كما يظهر من الاخبار لكونهم واسطة في اليجاد وبهم الوجود، و هم السبب في الخلق، إذ لولاهم لما خلق الناس كلهم وانما خلقوا لاجلهم وبهم وجودهم وهم الواسطة في افاضة، بل لهم الولاية التكوينية لمادون الخالق »

مصباح الفقاهة من تقرير بحث الاستاذ الاكبر آية الله العظمى الحاج السيد أبو القاسم الموسوي

الخوئي دامت افاضاته لمؤلفه الميرزا محمد علي التوحيدى التبريزي، المطبعة الحيدرية النجف 1374

هـ 1954م، ج 6، ص 36

مرحوم «کمپانی رضوان الله تعالى علیه» می‌گوید:

«لهم الولاية المعنوية و السلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية و التشريعية»

ائمه اطهار ولايت معنوی و سلطنت باطنی بر تمام امور تکوین و تشریع دارند.

حاشية كتاب المكاسب، نویسنده: اصفهانی، محمد حسین کمپانی، ج 2، ص 379، ح 337

یکی از موضوعاتی که ما باید درباره آن خوب کار کنیم این است که معرفت‌مان را نسبت به حجت الهی بیشتر کنیم. به تعبیر مرحوم آقای «بید آبادی» از عرفای بزرگ و فقهای بزرگ «اصفهان» که می‌فرماید: " تلاش کنید همواره خودتان را در محضر امام زمان ببینید و احساس کنید این نفس کشیدن شما که خدای عالم (الله خالقُ كُلِّ شَيْءٍ) واسطه‌اش امام زمان است، حرف زدن شما واسطه‌اش امام زمان است، حرکت شما و

هر آنچه از ما سر می‌زند که می‌شود کلمه «شیء» به او گفت، واسطه میان ما و ذات اقدس ربوبی حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) است"

ما می‌خواهیم به این‌جا برسیم که حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) وقتی کارهای ما را می‌بیند به وجود ما مباحثات و افتخار کند.

### مباحثات امام صادق (سلام الله علیه) به وجود «هشام بن حکم»!

نکته سوم که باز این عبارت در کتاب «کافی» همان که عرض کردم صفحه 172 البته از صفحه 171 شروع می‌شود دارد که: وقتی مرد شامی می‌آید از امام صادق تقاضای مناظره می‌کند، حضرت به «یونس بن یعقوب» می‌گوید بلند شو برو بچه‌های ما که در علم کلام و در فن مناظره خبره هستند را جمع کن و بیاور. «یونس بن یعقوب» می‌گوید من بیرون رفتم «حمران بن اعین» را پیدا کردم، آوردم. «مؤمن الطاق» را آوردم. «مؤمن الطاق» که غوغا است؛ یعنی واقعا وقتی من حالات «مؤمن الطاق» را مطالعه می‌کنم از خوشحالی بال در می‌آورم.

کسی که کارهایش قلب امام صادق (سلام الله علیه) را خنک می‌کرد و امام از کارها و مناظرات این مرد بزرگ لذت می‌برد.

مرحوم «کشی» در شرح حال این مرد، ده، دوازده تا مناظره نقل می‌کند، مخصوصا با «ابو حنیفه» و دیگران که مناظره‌هایش غوغا است؛ یعنی طوفان به پا می‌کند.

بعد «یونس بن یعقوب» می‌گوید «هشام بن سالم» را آوردم و «قیس ماصر» را آوردم که در علم کلام شاگرد امام سجاد (سلام الله علیه) بوده است.

می‌گفت این‌ها را آوردم همه نشستند دیدم امام صادق قلبش آرام نشده و از پنجره خیمه به بیرون نگاه می‌کند و گویا منتظر کسی است. یک موقع دیدیم از آن دور یک شتر سواری دارد می‌آید. وقتی امام چشمش به شتر سوار افتاد گل از گلش شکوفه‌تر شد و فرمود:



## «هَشَامٌ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ»

قسم به خدای کعبه هشام دارد می‌آید.

وقتی می‌آید ببینید امام چه تعبیری دارد. امام فرمود:

## «نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 1، ص 172 و 173، بَابُ الاَضْطِرَارِ اِلَى الْحُجَّةِ، ج 4

ما می‌خواهیم به این‌جا برسیم که حضرت ولی عصر وقتی پرونده ما را دید بفرماید: «نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ»!

این‌ها همه مناظره می‌کنند و حضرت مثل مربی فوتبال که بعد از فوتبال می‌آید فیلم فوتبال را باز می‌کند می‌گوید این‌جا فلان بازیکن اشتباه کرده، این‌جا موفق بوده، حضرت مناظرات این‌ها را این‌طور تحلیل می‌کند و می‌فرماید که «ابان بن تغلب» این‌جا اشتباه کردی، این‌جا درست بود. «حمران» این‌جا کارت درست بود و این‌جا اشتباه بود. همین‌طور سایر شاگردان که کار شما چه بود و چه نبود و...

«یونس بن یعقوب» می‌گوید: «هشام» هنوز به سن بلوغ نرسیده بود و موی صورتش هنوز تکمیل نشده بود. ما دنبال این بودیم که امام صادق یک چند تا اشکال هم از «هشام بن حکم» بگیرد ما دلمان خنک بشود.

وقتی به «هشام» رسید ببینید تعبیر حضرت چیست. خیلی تعبیر سنگینی است می‌فرماید:

## «مِثْلَكَ فَلْيُكَلِّمِ النَّاسَ»

هشام مانند تو باید بیاید با این‌ها مناظره کند!

## «فَاتَّقِ الزَّلَّةَ وَ الشَّفَاعَةَ مِنْ وَرَائِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ»

از لغزش خودت را حفظ کن، کمک و نصرت ما همیشه بالای سرت است.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 1، ص 172 و 173، بَابُ الإِضْطِرَارِ إِلَى الْحُجَّةِ،

ح 4

تعبیر «کشی» اینست که حضرت به آن مرد شامی می‌گوید: دیدی «هشام» این بچه‌ی چهارده، پانزده ساله چه کار کرد، به تو در مناظره فرصت نداد که آب دهن‌ت را قورت بدهی و فرو ببری!

دوستان! ما می‌خواهیم به این‌جا برسیم. این بالاترین قله‌ای است که در ورود به این مباحث به آن برسیم. اگر رسیدیم خدا را باید شاکر باشیم ولی مادامی که به این مرحله نرسیدیم نباید آرام باشیم و یقین هم بدانید که اگر به این مرحله برسید امدادهای خاص حضرت ولی عصر پشت سر شما است، بشارت‌های حضرت ولی عصر پشت سر شما است.

یا در خواب، که خواب امام با بیداری امام هیچ فرقی نمی‌کند، به شما بشارت می‌دهد. و یا نه اصلاً حضرت در بیداری پیام می‌فرستد، چون حضرت با ماست، ما از او غایب هستیم، تعدادی که بعضی‌ها تعداد آنها را چهارده - پانزده نفر می‌گویند، در رکاب حضرت برای مشکلات مردم هستند و به امر حضرت رسیدگی می‌کنند و توسط آنها به شما پیام می‌دهد و اظهار شادمانی می‌کند.

من در این قضایا تجربه‌های زیادی دارم، قضایای متعددی دارم که نمی‌توانم مطرح کنم و شاید صلاح هم نباشد؛ ولی این را قاطعانه به شما می‌گویم که اگر خالصانه وارد شدید و کاری که آقا امام زمان (سلام الله علیه) می‌خواهد را انجام دادید این را قاطعانه می‌گویم و قول شرف می‌دهم که بشارت حضرت ولی عصر بلافاصله دنبال کار شما است.

تا وقتی که به آنجا نرسیدید بدانید هنوز موفق نشدید، هنوز ابتدای راه هستید و یا نه به جای راه، خاکی رفته‌اید. این هم یک نکته.

### چهار گروه هدف، در تبلیغ معارف اهل بیت (علیهم السلام)

نکته‌ی دیگری که دوستان، ما دنبالش هستیم، ما فعلا در این جهان معاصر روی چهار گروه باید کار کنیم، خودمان را باید آماده کنیم.

اول کار علمی برای تقویت مبانی اعتقادی جوان‌های شیعه؛ اصلا ما کاری به وهابیت و سنی و دیگران نداریم. ما باید بیاییم اعتقادات جوان‌های شیعه را تقویت کنیم، که این‌ها در برابر شبهات نلغزند.

تعبیری که باز آقا امام صادق (سلام الله علیه) دارد ببینید قطعا این روایت را بارها دیدید روایت در کتاب «احتجاج طبرسی» صفحه 17 است در آنجا دارد:

### «عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ»

«مرابط» آن سربازانی هستند که در سرحدات هستند و آتش به اختیارند که اگر دشمن را ببینند منتظر نمی‌مانند تا فرمانده دستور بدهد. در داخل کشور اگر فرمانده دستور ندهد و سرباز تیر اندازی کند مسؤولیت دارد؛ ولی در سرحدات نه، به مجرد این که دشمن را دید باید دشمن را بکوبد. لذا حضرت می‌گوید:

«عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ فِي الثُّغْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَ عَفَارِيَّتَهُ يَمْنَعُوهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضُعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَ عَنْ أَنْ يَتَسَلَّطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَ شِيعَتُهُ وَ النَّوَاصِبُ»

بعد می‌فرماید:

«أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَ التُّرْكَ وَ الْخَزَرَ أَلْفَ مَرَّةٍ»

کسی که خود را مدافع اعتقادی شیعیان ما قرار داده است، افضل است از کسانی که در جبهه نبرد کار می‌کند، نه با یک نفر، که افضل از یک میلیون نفر رزمنده است.

الإحتجاج على أهل اللجاج؛ نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، ناشر: نشر مرتضی، محقق / مصحح:

خرسان، محمد باقر، ج 1، ص 17

ما یک کاری باید انجام بدهیم و برای جوان‌ها در فضای مجازی و در رسانه‌های بین‌المللی جلسه بگذاریم، تا اعتقادات جوان‌های ما تقویت بشود.

### مثلث مقدس برای تقویت بنیه‌های اعتقادی جوان‌های شیعه

تقویت جوان‌های شیعه هم سه تا مرحله و سه رکن دارد که من از آن به «مثلث مقدس» تعبیر می‌کنم. یکی «تبیین» است. من دارم کلیات را عرض می‌کنم. الان به عنوان نمونه من در بحث غدیر این سه تا را یک مقدار به نمایش گذاشته‌ام.

تبیین یعنی معرفت‌افزایی داشتن، مثلاً در رابطه با غدیر: (غدیر و امامت، غدیر در صحاح، غدیر در منابع، احتجاج معصومین به غدیر) باید ما این‌طوری بیاییم معرفت جوان‌های شیعه را با روایات و آیات تقویت کنیم.

دوم «شبهه زدایی» است، شما اگر صد تا روایت برای امامت حضرت امیر بیاورید، آن‌ها هم می‌روند پنجاه تا روایت برای حقانیت ابوبکر می‌آورند و یا ده تا شبهه علیه این قضیه درست می‌کنند.

شما باید به این شبهات جواب بدهید. هر موضوعی را مطرح می‌کنید، آنها برای آن شبهه درست می‌کنند. شما ببینید در مورد حدیث ثقلین، من 148 شبهه از وهابیت با جلد و صفحه ثبت کردم.

صد و چهل شبهه را ما می‌گوییم بی‌ارزش است؛ ولی هشت تا شبهه اساسی است که ما باید جواب بدهیم. مادامی که ما با شبهات در موضوعی که داریم بحث می‌کنیم جواب ندهیم، این جوان ما با یک شبهه عقایدش متزلزل می‌شود.

نکته سوم «روشن‌گری و هجمه» است. در ابتدا جواب‌های نقضی باید مطرح بشود. این را هم باید خودمان یاد بگیریم که در مناظرات استفاده کنیم و هم به جوان‌ها یاد بدهیم.

یک روزی «آیت الله خزعلی» و بعضی از بزرگواران منزل ما مهمان بودند. حاج آقای «میلانی» هم منزل ما بودند. یک جزوه‌ای روی میز من بود. حاج آقای «خزعلی» این جزوه را گرفت ورق زد گفت فلانی این چیست؟ گفتم حاج آقا استدلالی است که اهل سنت بر حقانیت ابوبکر کرده‌اند. گفت چند تا است؟ گفتم شاید بالای پنجاه مورد دلیل آورده‌اند.

گفت: شما می‌آیید به این دلیل و به آن دلیل ثابت می‌کنید که علی (سلام الله علیه) خلیفه بود، آن هم می‌آید می‌گوید به این دلیل و آن دلیل ابوبکر خلیفه بوده است. وجه جمع این چیست؟ وجه جمع این است که می‌گوید هر دو درست می‌گویند. ابوبکر خلیفه اول و علی خلیفه چهارم! چه اشکالی دارد!؟

شما که در مباحث فقهی و اصولی قائل به وجه جمع هستید و می‌گویید اگر دو تا دلیل باهم تعارض پیدا کرد، سراغ وجه جمع می‌روید شما اگر آمدید ولایت علی را اثبات کردید باید در کنارش بیایید ولایت دیگران را نفی کنید.

تا «لا اله» تحقق پیدا نکند، «الا الله» معنا پیدا نمی‌کند، مشرکین هم می‌گویند:

**(مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى)**

اینها را نمی‌پرستیم مگر بخاطر اینکه ما را به خداوند نزدیک کنند.

**سوره زمر (39): آیه 3**

یا محمد! هم خدای تو و هم خدای ما، خدای تو آن بالا است و خدای ما هم اطراف مکه است. **(لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى)!**

لذا ما باید در کنار اثبات خلافت اهل بیت، خلافت دیگران را نقد کنیم. البته من در این جا بحث خیلی مفصلی دارم که الان فرصتش نیست و آن مقایسه ادله دو مکتب است. مثلا ما آیه ولایت را از منابع شیعه و سنی می‌آوریم و آیه استخلاف را برای ابوبکر می‌آوریم و اینها را باهم مقایسه می‌کنیم.

**نقد قوی‌ترین دلیل اهل سنت بر خلافت ابوبکر**

در این جا «طبری»، «ابن ابی حاتم»، «آلوسی» و... حالا فرصت نیست که من این‌ها را نمایش بدهم، احتجاج  
ائمّه به این آیات و از آن طرف هم این‌ها آمدند مثلا از «عبدالجبار معتزلی» آورده‌اند که آیه 55 سوره نور  
قوی‌ترین دلیل بر خلافت ابوبکر است.

«فخرالدین رازی» همین‌طور دارد، «عضد الدین ایجی» همین را دارد، «قرطبی» همین را دارد. این‌ها را باید  
نقد کنیم. ما باید در این زمینه مفصل وارد بشویم و ادله این‌ها را نقد کنیم.

من فقط به یک نمونه اشاره می‌کنم که این‌ها یکی از ادله‌ای که برای خلافت ابوبکر آورده‌اند، نماز خواندن  
ابوبکر به جای پیغمبر در آخرین لحظات عمر پیامبر است. خیلی هم روی این کار می‌کنند.

«تفتازانی» در کتاب «شرح مقاصد» تعبیرش این است:

«أن النبي صلى الله عليه وسلم استخلفه في الصلوات التي هي أساس الشريعة»

شرح المقاصد في علم الكلام؛ اسم المؤلف: سعد الدين مسعود بن عمر بن عبد الله التفتازاني الوفاة:

791هـ دار النشر: دار المعارف النعمانية - باكستان - 1401هـ - 1981م، الطبعة: الأولى، ج2،

ص287

«بدر الدین عینی» همین‌طور، «سرخسی» از فقهای احناف همین‌طور، «ابن کثیر دمشقی» می‌گوید این که  
ابوبکر رفته به جای پیغمبر نماز خوانده:

«ينبغي أن يكتب بماء الذهب»

باید با آب طلا نوشته بشود

البداية والنهاية؛ اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء الوفاة: 774، دار النشر:

مكتبة المعارف - بيروت، ج 5، ص 236

## خاطره جالب استاد سبحانی از خلع سلاح یک عالم اهل سنت!

«آیت الله سبحانی» برای من نقل می‌کرد، می‌گفت: من «سوریه» رفته بودم، یک جلسه‌ای بود و تعداد زیادی از علمای اهل سنت حدود پنجاه - شصت نفر بودند. یکی از آن‌ها یک پیرمردی بود شروع کرد ما را نصیحت کردن که آقای «سبحانی» شما اهل قلم و فاضل هستید به شما نصیحت می‌کنم یک مقداری مواظب اعتقادات تان باشید تا فردای قیامت گرفتار نشوید!!

گفت: ببینید با این‌که علی بود، «عباس» عموی پیغمبر بود و دیگران بودند، حضرت به ابوبکر گفت: «فلیصل للناس»؛ وقتی پیغمبر او را برای نماز امام قرار داده است چرا ما او را برای دین‌مان امام نکنیم؟ آخر می‌خواهید از این روشن‌تر دلیل باشد؟

آقای «سبحانی» گفت: این پیرمرد حدود بیست دقیقه صحبت کرد، و جمعیت هم همه‌اش گوش می‌دادند، من گفتم: بسم الله الرحمن الرحيم شیخنا تمام فرمایشات شما صحیح است.

«ولکن الرجل لیهجر»

این مرد هزیان می‌گوید

من که این را گفتم صدای خنده بلند شد، این بنده خدا سرش را پایین انداخت دیگر تا آخر حرف نزد! با یک جمله که گفتم فرمایش شما صحیح است «ولکن الرجل لیهجر»! چطور شد وقتی که پیامبر می‌فرماید:

«اَتُّونِي بِكِتَابٍ اَكْتُبُ لَكُمْ كِتَابًا لَنْ تَضَلُّوا بَعْدَهُ اَبَدًا»

در جواب گفتند:

«إِنَّ النَّبِيَّ غَلَبَهُ الْوَجَعُ»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256،  
دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب  
البغا، ج3، ص 1111، ح 2888

یا گفتند:

«إن الرجل ليهجر»

چطور شد برای وصیت نوشتن پیامبر «لیهجر» شد ولی برای «مروا أبا بكر فليصل بالناس» لا يهجر نباشد!  
ببینید با یک جمله چنان طرف را خلع سلاح می‌کند که یقیناً ایشان دیگر این مطلب را در هیچ جا نمی‌تواند  
مطرح کند.

بهتر از اینها دو روایت «صحيح بخاری» است. حدیث 680 و 681 خیلی روایت قشنگی است. همین روایتی  
که می‌گوید:

«مروا أبا بكر فليصل بالناس»

می‌گوید ابوبکر رفت نماز بخواند، رسول اکرم صدای ابوبکر را شنید الله اکبر! رسول اکرم با این که حالش  
مساعد نبود بلند شد یک دست در گردن عباس و یک دست در گردن امیرالمؤمنین.

حضرت در حالی که پاهایش هم به زمین کشیده می‌شد یعنی این قدر بی حال بود. با این حال آمد ابوبکر  
را کنار زد خودش نشست و نشسته نماز خواند و صحابه ایستاده نماز خواندند. بعد ببینید دارد:

«كان رسول الله يُضَلِّي قَاعِدًا يَقْتَدِي أَبُو بَكْرٍ بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ وَالنَّاسُ مُفْتَدُونَ بِصَلَاةِ أَبِي بَكْرٍ»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256،  
دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب  
البغا، ج1، ص 251، ح 681



این در «صحیح بخاری» است. یعنی یک نماز با دو تا امام! من یک جایی از یکی از این آقایان سوال کردم گفتم: آقا اقتدای قائم به قاعد درست است یا باطل است؟ اگر درست است چرا همه صحابه به پیغمبر اقتدا نکردند؟ اگر باطل است نماز ابوبکر که یقئدی برسول الله باطل است اقتدا به باطل هم باطل است. اینها هیچ جوابی ندارند.

یا حدیث 680 که دیگر خیلی جالب است می‌گوید:

### «وَأَبُو بَكْرٍ يُسْمِعُ النَّاسَ التَّكْبِيرَ»

الجامع الصحیح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: 256،  
دار النشر: دار ابن کثیر ، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب  
البغا، ج 1، ص 251، ح 680

در این نمازی که بود و یک بار هم بیشتر نماز به جای پیغمبر نخوانده و «امام شافعی» این را صراحت دارد. می‌گوید ابوبکر مکبر بود. این که شما می‌گویید اساس شریعت است و شیعه دقت کند فردای قیامت گرفتار نشود، وضعیتش این طوری بوده است.

ولذا من روی سه محور نمونه ای عرض کردم. شما در هر موضوعی بخواهید وارد بشوید، در حدیث غدیر در حدیث ثقلین و حدیث خلیفتی و حدیث ولی کل مؤمن، آیه ولایت، آیه اکمال، آیه ابلاغ هر کجا وارد بشوید باید این سه تا مسئله را داشته باشید: «تبیین»، «دفاع» و «حمله»! یا این تعبیر: «معرفت افزایی»، «شبهه زدایی» و «روشن گری»

این را ما باید در همه جا داشته باشیم، بدون این موفق نخواهیم بود؛ یعنی اگر یکی از اینها را بگیریم و دو تا را رها کنیم نمی‌شود. اینها لازم و ملزوم همدیگر هستند.

از الان شما تلاش کنید در رابطه با اهل بیت (علیهم السلام) سی تا، چهل تا، پنجاه تا مقاله با این سه تا شاخصه درست کنید. یعنی همان تبیین، دفاع، حمله.

یا به عبارت روشن‌تر «شیعه می‌گوید»، «شیعه پاسخ می‌دهد» و «شیعه می‌پرسد»، پرسیدن گناه نیست، توهین کردن گناه است. پرسیدن گناه نیست!

این جواب‌های نقضی و این روشن‌گری کاری می‌کند که یک جواب نقضی از صد تا دلیل حلی تأثیرش بیشتر است؛ یعنی تار و پود فکری طرف را بهم می‌زند و او نمی‌تواند جواب بدهد.

### یک جواب نقضی جالب، برای ساکت کردن جسارت وهابی‌ها

یک مرتبه من کنار «بیت الله الحرام» با دانشجویان بحث می‌کردم، یکی از این دانشجویان یک مقدار بی ادب و بی تربیت بود. در جواب من گفت: امام خمینی شما، در کتاب «تحریر الوسيله» می‌گوید: «يجوز اللواط فی ادبار النساء!»

من سرم را پایین انداختم گفتم: همین تعبیری که دارید می‌گویید، واقعاً امام دارد؟ گفت بله. گفتم: ما عرب نیستیم؛ ولی شما عرب هستید و می‌دانید که عرب «عمل الرجل بالرجل» را «لواط» می‌گوید و «عمل الرجل لامرأة» را «وطی» می‌گوید!!

اولاً که امام خمینی همچنین چیزی ندارد و گفته هم باشد این تعبیر شما از نظر ادبیات عرب غلط است. در ثانی اگر فقهای ما فتوا می‌دهند، فقهای شما عمل می‌کنند. گفت چرا توهین می‌کنی؟ گفتم: بفرمایید این کتاب «در المنثور» اثر «سیوطی» است جلد 1 صفحه 638 در ذیل آیه:

(نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ)

زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند؛ پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید.

سوره بقره (2): آیه 223

از «امام مالک» نقل می‌کند که از او سوال کردند:

« عن وطء الحلائل في الدبر »

دست زد به سرش خیس بود گفت:

«الساعة غسلت رأسي منه»

الدر المنثور ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت

– 1993؛ ج 1، ص 638

گفتم از جناب «ابن أبي مليكة» سوال کردند که حکم وطی در ادبار نساء چیست؟ گفت:

«قد أردته من جارية البارحة فاعتصمت علي فاستعنت بدهن»

نزدیکی از پشت را از بعضی از کنیزها خواستم ولی تمکین نمی‌کرد، از روغن استفاده کردم.

الدر المنثور ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت

– 1993؛ ج 1، ص 638

من گفتم فقهای شما فتوا می‌دهند، روغن مالی اش را هم به مردم یاد می‌دهند. این بنده خدا سرش را پایین انداخت و دیگر تا آخر حرف نزد.

با ما باید پنجاه، شصت تا از این جواب‌ها در آستین مان داشته باشیم، وقتی این‌ها پرروگری می‌کنند یکی از آنها را مثل پوست خربزه جلوی پای اینها بیندازیم.

لذا جواب‌های نقضی، جواب‌های خیلی تأثیر گذارتر از جواب‌های حلی است؛ یعنی طرف احساس می‌کند موانع فکری اش متزلزل است. این یک بحث است.

در رابطه با بحث وهابیت دوستان ان شاء الله در این دوره‌هایی که هست مفصل بحث می‌شود. وهابیت هیچی ندارند. من به حول و قوه الهی بیش از دویست مناظره در خاک عربستان داشتم.

سال 82 با جناب آقای «نواب» به «طائف» رفتیم و با مفتی اعظم وهابیت که بالاترین مقام آن‌ها است یک ساعت بحث کردیم. خدا را شاهد می‌گیرم در این یک ساعت ایشان در برابر استدلال‌های ما، بال بال می‌زد. همه را هم ضبط کردیم و در کتاب «قصة الحوار الهادي» که سه جلد است این بحث را در ابتدایش آوردیم. استدلال‌های ما طوری تأثیر گذار بود که دو تا از معاونینش که کنارش نشسته بودند به او اعتراض کردند و گفتند شیخنا! این آقا دارد از کتاب‌های ما با جلد و صفحه و بررسی سندی روایت، استدلال می‌کند ولی در حرف‌های شما هیچ استدلالی نمی‌بینیم، جواب‌های شما، ما را قانع نمی‌کند تا چه رسد این آقایان را قانع کند.

ببینید وهابیت پوچ در پوچ هستند؛ یعنی چیزی ندارند که ما در برابر آن پاسخ نداشته باشیم. در تمام حوزه‌ها در تحریف قرآن، در بحث توسل، در بحث شفاعت در بحث زیارت، در بحث تبرک و ... از خود منابع اهل سنت ما به قدری برای این‌ها جواب داریم که برای استدلال کردن از کتب شیعه احتیاجی نداریم.

گروه سومی که ما مواجه هستیم اهل سنت هستند، ما باید خودمان را برای بحث با این‌ها آماده کنیم. همان کاری که ما با جوان‌های شیعه داریم می‌کنیم، همان را با یک رنگ و بوی دیگری در بحث با اهل سنت با رعایت ادب و متانت باید داشته باشیم.

یعنی همان 3 مرحله «تبیین»، «دفاع» و «حمله» را باید داشته باشیم، ولی خیلی محترمانه و مؤدبانه:

**«فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»**

اگر مردم زیبایی‌های کلام ما را بدانند از ما تبعیت می‌کنند.

عیون أخبار الرضا (علیه السلام): نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، مصحح: لا جوردی، مهدی،

ناشر: نشر جهان، ج 1، ص 307

با فحش و اهانت کار جلو نمی‌رود، نتیجه معکوس می‌شود این را داشته باشیم.

**فرقه «احمد الحسن»، فرقه ای خطرناک تر از داعش!**

اما گروه چهارمی که ما گرفتار آنها هستیم، یک سری فرقه‌های نو ظهوری است که در این 200 - 300 سال اخیر به وجود آمدند. البته قبلاً هم سابقه داشتند. مخصوصاً در عصر حاضر از هر چند صباحی از یک جای سر در می‌آورند.

یکی از این‌ها فرقه‌ها، قضیه «احمد الحسن»، «احمد بصری» یا «یمانی» و ... است که در استان شما هم خیلی سر و صدا و تبلیغ زیاد دارند.

در «اهواز» و اطراف «اهواز» و اطراف «دزفول» تشکیلات خیلی مجهزی دارند. در روستاها ذهن تعدادی از جوان‌ها، پیرمردها، پیر زن‌ها را مشوش می‌کنند.

می‌گویند «احمد الحسن» فرزند امام زمان است. ایشان از طرف حضرت ولی‌عصر مسئولیت دارد زمینه را فراهم کند که حضرت ولی‌عصر بیاید. این‌ها اساس کارشان این است که بگویند روحانیان و مراجع، مانع ظهور حضرت ولی‌عصر هستند.

ما در رابطه با «احمد الحسن» اگر قربه‌الی الله هم نشود و قیامت را هم در نظر نگیریم و دین‌مان را هم در نظر نگیریم، برای حفظ جان خودمان هم باید در این زمینه به خوبی مجهز باشیم. این‌ها خطرشان از منافقین حتی از «داعش» هم بیش‌تر است.

این‌ها اگر به قدرت برسند صدها برابر «داعش» جنایت می‌کنند. نوارش موجود است در «جعفر آباد قم» این‌ها نماز جماعت داشتند. امام جماعت‌شان با آقای «شریفی» ما هم درگیر شد و قضایای مفصلی هم دارد، نوار ایشان موجود است.

ایشان به کسانی که آن‌جا هستند مخصوصاً به تعدادی از طلبه‌ها می‌گویند بروید ماشین تان را بفروشید، فرش تان را بفروشید و کتاب‌های تان را بفروشید و اسلحه تهیه کنید، تا هر زمان امامان «احمد الحسن» دستور بدهد این آخوندها و روحانیان را 500 تا 500 تا قتل عام بکنیم تا زمینه آمدن حضرت ولی‌عصر فراهم بشود!!

در رابطه با «احمد الحسن» حرف خیلی زیاد است در آن جا هم دنبال این هستیم تا جواب‌های نقضی بدهیم نه جواب‌های حلی، جواب‌های حلی به درد نمی‌خورد.

در یکی از کانال‌ها دیدیم یک روز ما را به عنوان دفاع از امام «احمد الحسن» عضو کردند، من به صورت ناشناس وارد شدم. من را هم نمی‌شناختند. بعد معلوم شد ادمینش با آیدیهای «انگلستان» کانال یا گروه را اداره می‌کرد.

گفتم علمای ما بارها برای مناظره با «احمد الحسن» اعلام آمادگی کردند. «احمد الحسن» حاضر نشد برای مناظره بیاید.

نه مناظره به خاطر این که این آقا فرزند حضرت ولی عصر است نه، مناظره در رابطه با کفر «احمد الحسن»! اگر وجود دارد بیاید با علمای شیعه مناظره کند. دیدم یک فحش خیلی رکیکی داد و گفت من شما را از گروه بیرون انداختم. ببینید وقتی نمی‌توانند جواب بدهند این چنین رفتار می‌کنند.

همین «احمد الحسن» حدود 16-17 سال قبل یک نامه‌ای به علما نوشته بود و اسم ما را هم نفر دوم آورده بود:

«رسالة الى السيد القائد و عدد من العلماء»

نامه مفصل است.

«اما بعد الى السيد العلي الخامنه‌ای السلام عليكم ورحمة الله، الى السيد القزويني في ايران السلام عليكم ورحمة الله»

ما بارها اعلام کردیم برای مناظره حاضر هستیم. ایشان جواب نداد تا امسال همین دو سه ماه قبل دیدیم در فضای مجازی می‌گویند چرا آقای «قزوینی» برای مناظره حاضر نمی‌شود؟

ما رسماً اعلام کردیم حاضر هستیم با این آقا مناظره کنیم در رابطه با اثبات ارتداد و کفر ایشان هم مناظره بکنیم و هم مباحثه! برای «مکتب نجف» به «احمد الحسن» نامه نوشتیم. ایشان گفته «مکتب نجف» نماینده تام الأختیار من است حرف او حرف من است.

در برنامه زنده شبکه حضرت ولی عصر برای شان پیامک فرستادیم و ایمیل کردیم که ما برای مناظره حاضر هستیم. یک هفته هم به شما وقت می‌دهیم. یک هفته گذشت جواب نیامد.

دوستان ما هم جشنی گرفتند و یک کیک خیلی بزرگی هم گرفتند و اسم «احمد الحسن» را هم رویش نوشتند و کله «احمد الحسن» را با کارت روی کیک بریدیم و دوستان میل کردند و همین باعث شد که خیلی از این‌هایی که طرفدار بودند دچار تردید شدند و دیگر آن نق‌نق‌هایی را که در فضای مجازی داشتند کنار گذاشتند.

یک نکته کلیدی هم خدمت‌تان عرض بکنم. ما در «مکه» با جوان‌ها و وهابی‌ها و علمای آن‌جا که بحث می‌کردیم آن‌ها عمدتاً توسل را برای ما ملاک قرار می‌دهند و می‌گویند توسل، شرک است.

ما می‌دیدیم بعضی از بزرگان ما می‌آیند از آیات قرآن و احادیث می‌آورند، من یک شاه کلیدی را دستم گرفته بودم با هر کدام از این‌ها بحث می‌کردم از این شاه کلید استفاده می‌کردم. البته با «مفتی اعظم» هم همین کار را کردم در جواب عاجز ماند.

برگشت گفت که شما بهتر اسلام را فهمیدید یا صحابه؟ اگر توسل به قبر پیغمبر جایز بود یکی از صحابه می‌آمدند به قبر پیغمبر متوسل می‌شدند.

گفتم شیخنا از شما خیلی بعید است، این «بلال بن حارث» است در زمان خلیفه دوم قحطی می‌آید، کنار قبر پیغمبر می‌رود «یا رسول الله» می‌گوید جمله یا رسول الله را این‌ها شرک می‌دانند.

«محمد بن عبدالوهاب» در «رسائل شخصیه» می‌گوید: هر کس بین خود و خدا واسطه قرار بدهد، او کافر است.

«من جعل بينه وبين الله وسائط يدعوهم أنه كافر مرتد حلال المال والدم»

الرسائل الشخصية؛ اسم المؤلف: محمد بن عبد الوهاب الوفاة: 1206 هـ دار النشر: مطابع الرياض -  
الرياض ، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد العزيز بن زيد الرومي، د . محمد بلتاجي، د. سيد حجاب، ج 1،  
ص 147

من گفتم: شیخنا «بلال بن حارث» کنار قبر پیغمبر می‌رود و متوسل می‌شود، گفت این روایت جعلی و ضعیف و دروغ است. گفتم آقای «ابن حجر عسقلانی» از استوانه‌های علمی شما در کتاب «فتح الباری» جلد 2، صفحه 412 می‌گوید روایت توسل «بلال ابن حارث» به قبر پیغمبر صحیح است.

«ابن کثیر دمشقی سلفی» شاگرد «ابن تیمیه» در «البدایه» جلد 7، صفحه 105 می‌گوید روایت صحیح است.

این آقا معطل ماند چه بگوید. همین جا بود که شروع کرد که بله مبادی شرک این است! مبادی توحید این است! یکی از معاونینش گفت شیخنا این چه استدلال و جوابی است شما دارید می‌دهید!؟

ما در بحث با این‌ها باید یک شاه کلیدهایی داشته باشیم که به جای پرداختن به بحث‌های متفرقه، نقاط ضربه پذیر اساسی‌شان را بزنیم؛ مقرر فرماندهی فکری این‌ها را باید بمباران علمی کنیم.

در رابطه با «احمد الحسن» نظرم بر این است همین یک مطلب را ما اگر داشته باشیم کافی است. سراغ حدیث وصیت و ... نرویم، شما می‌گویید او هم می‌گوید شما می‌گویید روایت ضعیف است؛ او می‌گوید روایت صحیح است. دوباره روایات دیگری می‌آورد شما روایات دیگر!

ببینید ایشان در کتاب «المتشابهات» خودش که عربی است جلد 4، صفحه 93 در رابطه با حضرت یونس می‌گوید یونس وقتی در شکم ماهی مُرد؛

«نظرت الى ظلمات جهنم، ونظر إلى طبقاتها السفلية»

تا آن‌جا که می‌گوید:



«ولكني أُبَيِّنُ الحَقِيقَةَ وَهِيَ أَن يُتَبَذَّ جَسَدُهُ بِالْعَرَاءِ، وَرُوحُهُ تَلْبَثُ فِي طَبَقَاتِ جَهَنَّمَ إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ»

یعنی روح حضرت یونس تا قیامت در طبقات جهنم است.

در فارسی هم که خودشان ترجمه کردند و روی سایتشان قرار دادند جلد 4، صفحه 103 در این جا هم می‌گوید: "من حقیقت را آشکار می‌کنم جسد او در بیابان عربان و بی سرپناه افتاد و روحش در طبقات جهنم تا روز برانگیخته شدن باقی ماند"

همین یک شاه کلید کافی است که بگوئیم آقا این حرف شما اولاً توهین به یک پیغمبر است. چرا که خدای عالم درباره حضرت یونس می‌گوید یونس از پیامبران ما بود.

شیعه را کار نداریم، شما از «وهابی‌ها» سوال کنید، از «مسیحی‌ها» سوال کنید، از «یهودی‌ها» سوال کنید و از «زرتشتی‌ها» سوال کنید، اگر کسی معتقد باشد یک پیغمبری از پیامبران الهی به جهنم رفته، به شما چه می‌گویند؟

آیا می‌گویند قائل به این حرف، مسلمان و مؤمن است یا می‌گویند کافر و مرتد و محدود الدم است؟! این از نظر عقلی.

دو: شما حرفتان انکار آیات قرآن و خلاف قرآن است. قرآن در سوره انبیاء آیه 88 می‌گوید:

وَدَا النُّونَ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ\* فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ

و ذالنون [= یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (اما موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمتها(ی متراکم) صدا زد: «(خداوند!) جز تو معبودی نیست! منزهی تو! من از ستمکاران بودم!» ما دعای او را به اجابت رساندیم؛ و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم!

سوره انبیاء (21): آیات 87 و 88

نجات حضرت یونس یک سنتی از خداوند است، در سوره صافات آیه 139 می‌گوید:

**(وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ)**

و یونس از رسولان (ما) است!

**سوره صافات (37): آیه 139**

ما او را از شکم ماهی نجات دادیم

**(وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)**

و او را به سوي جمعیت یکصد هزار نفري -یا بیشتر- فرستادیم!

**سوره صافات (37): آیه 147**

او را به سمت قومش فرستادیم که بیش از 100 هزار نفر بودند؛ پس این حرف شما هم خلاف قرآن است و هم انکار آیه قرآن است.

پس به سه دلیل، این آقا مرتد و کافر است. بیایید به ما جواب بدهید. اصلاً ما کاری با چیز دیگری نداریم. آیا حضرت ولی‌عصر یک آقایی را که طبق ادله عقلی و آیه قرآن مرتد و کافر است را برای زمینه سازی مأمور کرده؟! آیا معقول است یک مسلمان بیاید از یک همچین آدمی تبعیت کند!؟

حالا اهانت‌هایی که به رسول اکرم دارد و منکر خاتمیت است و امثال این قضایا الی ماشاء الله است؛ ولی باید یک شاه کلید داشته باشیم این را جواب بدهید من کاری به چیزهای دیگری ندارم، در فضای مجازی این را مطرح کردم 8 تا سوال طرح کردم یکی‌اش این بود.

آقای «فتحیه» که یکی از لیدرهایش است الان در «قم» زندانی هست، ایشان برای 10 دقیقه من نزدیک به 60-70 دقیقه جواب داد، اتفاقاً جواب ایشان برای تثبیت امر، خیلی روشن‌تر از استدلال من بود.

ایشان برگشت گفت آقای «قزوینی» اگر شما را ماهی یا نهنگ بخورد می‌میرید یا نمی‌میرید؟ بابا «قزوینی» را نهنگ نخورده، حضرت یونس را خورده و خدای عالم از این به عنوان یک معجزه تعبیر می‌کند.

البته در بحث «احمد الحسن» حرف خیلی زیاد است عرض کردم در این طور بحث‌ها چه با طلبه‌ها و چه با عوام‌شان ما باید یک شاه کلیدی معین کنیم، به قولی گربه را دم حجله باید کشت.

اگر گفتند بحث علمی، می‌گویم آقا من بحث علمی بلد نیستم، من یک سوال دارم این سوال من را جواب بده. اگر جواب دادی با هم می‌نشینیم و بحث علمی می‌کنیم اگر نتوانستی جواب بدهی، هیچی!

### سؤالات حاضرین در جلسه!

البته حرف خیلی زیاد است؛ وقت گذشت بنا بود ما نیم ساعت صحبت کنیم. دوستان اگر سوال خاصی است یکی دو تا از عزیزان سوال کنند ما در خدمت‌شان هستیم.

### پرسش:

سلام علیکم ورحمة الله. دوازده نفری که از عزیزان تشریف دارند از بچه‌های «حوزه سید الشهداء خرمشهر» هستند، از «دوره تخصصی سطح 3 امامت» استاد حاج آقای «سبحانی» استاد «مؤسسه معارف اهل بیت»، حاج آقا الحمدلله از شهریور سال گذشته شروع شد و تا به امروز هم فعال هستند.

هر هفته کلاس مستمر بوده و اساتید تشریف می‌آورند یک توفیقی هم شده دوره 2-3 روزه فشرده علمی را هم خدمت عزیزان «مؤسسه» هماهنگی کردند لطف کردند ما هم خدمت‌شان رسیدیم. همچنین تشریف فرمای حضرتعالی.

حاج آقا همه دوستان بحمدلله مخاطب تبلیغی و تبیینی شان را در منطقه «خرمشهر» و حواشی دارند و تقریباً اکثر دوستان با حداقل یک روستا در ارتباط هستند، از روستاهای حاشیه «خرمشهر» در شهر مرزی و مرز نشینی که خودتان بهتر از همه از وضعیت خبر دارید.

با این وجود محرومیت‌ها، سختی‌ها، معیشت و هر چیزی که شما تصور بکنید در محرومیت‌ها ما دچارش هستیم از همه جهت، چه طبیعی و چه غیر طبیعی و چه مادی و معنوی!

ان شاء الله پاداش ملت غیور «خرمشهر» و «خوزستان» را ما از خداوند مطالبه می‌کنیم، با این وجود عزیزان پای کار بودند و هستند و ان شاء الله خواهند بود.

من به نیانت از همه از شما می‌خواهم یک قوی بگیرم ان شاء الله نسبت به این استان، این دوره، این حوزه، این شهرستان یک برنامه ویژه‌ی باشد و شما حضوراً تشریف بیاورید خدمت‌تان باشیم.

«شهرستان خرمشهر، حوزه سید الشهداء» همان جا از نزدیک جلسه‌ای داشته باشیم، گزارشی و دیدن از فعالیت‌ها و برنامه‌ها و این ارتباطات‌تان بیشتر باشد ان شاء الله.

### آیت الله حسینی قزوینی:

چشم! ما در حد توان‌مان، کرونا اجازه بدهد ما در خدمت‌تان هستیم. دعا کنید ان شاء الله کرونا رخت ببندد تا راحت بشود مسافرت کرد. وقتی کرونا نبود ما در ایام «غدیر» در هفت، هشت تا استان بودیم.

در «آبادان» جلسه داشتیم، در «بیرجند» جلسه داشتیم، «کرمانشاه» جلسه داشتیم، تقریباً ایام «غدیر» زندگی‌مان در هواپیما می‌گذشت؛ ولی کرونا که آمد همه چیز را به هم زد.

دوستان از «تایباد» که تقریباً 80 درصدش اهل سنت است چندین بار با ما تماس گرفتند ما عذر آوردیم، و همچنین از «شیراز» به همین شکل و همچنین از «گناوه» همین طور.

چون من زمینه ناراحتی ربه داریم، یک مقدار از نظر شرعی هم و سن‌مان هم بالا است رعایت می‌کنم، من معمولاً در «قم» هم جلساتی به آن شکل ندارم.

حالا دوستان از طرف جناب آقای دکتر «سبحانی» زنگ زدند و گفتند ما در استان «خوزستان» هستیم البته ما در «خرمشهر» هم بودیم. تقریباً 10-12 سال قبل خواهرمان خانم «عابدینی» که مدیریت حوزه علمیه

خواهران را دارد ایشان ما را دعوت کردند.

جلسه هم برای آقایان هم برای خانم‌ها در «آبادان» ما جلسات مختلفی داشتیم، آنچه در ذهنم هست ما فقط 2 هفته در «خرمشهر» جلسه داشتیم، تا حدودی به وضع آن‌جا آشنا هستیم ان شاء الله اگر خدای عالم کمک کند در خدمت دوستان هستیم.

البته عزیزان ما حاج آقای «ابوالقاسمی» آقای «یزدانی» آقای «روستای» هستند، محصول عمرمان این چهار پنج نفر هستند به قوی یک عمری زور زدیم این چهار تا را تربیت کردیم.

تقریباً در این حوزه شاید 10 هزار طلبه در بحث ما آمدند و رفتند از این 10 هزار نفر همین چهار پنج نفر بالا آمدند. من هم به وجود این‌ها به فضل الهی افتخار می‌کنم، این‌ها بیایند هیچ فرقی نمی‌کند ما هر چه بلد بودیم به این‌ها یاد دادیم و چه بسا این‌ها جوان هستند مطالبی فراتر از ما داشته باشند.

### پرسش:

در ابتدای دوره ما خدمت آقا «روستایی» بودیم. الحمد لله خیلی خوب و قوی بودند و معلومات دوستان را هم خیلی خوب بالا بردند؛ ولی حاج آقا یک عذر برای ما می‌آورند که ما نمی‌توانیم بیاییم شما واسطه بشوید برای این‌که این بزرگواران ان شاء الله برنامه ریزی کنند و بیایند.

### آیت الله حسینی قزوینی:

من تحدی می‌کنم در «قم» 30-40 تا مرکز تخصصی زده شده، هیچ کدامشان - البته «هذا من فضل ربی» - نتوانستند مثل این چهار نفر را تربیت کنند. تمام تخصصی‌ها نیروهایشان را بیاورند ما هم این 4 نفر نیرو را می‌آوریم.

ان شاء الله دوستان ببینند که این‌ها چه کار کردند و واقعاً خیلی تلاش کردند، همین آقای «ابوالقاسمی» آنچه در ذهنم است شاید 14-15 سال قبل که آمد کم سن بود، آمده بود مؤسسه گفت من می‌خواهم بیایم یاد بگیرم. ما ردش کردیم دوباره بعد از دو سه هفته آمد گفتم شما در این حدی نیستید.

دوباره به قولی از در بیرونش کردیم از پنجره آمد، از پنجره بیرونش کردیم از بام آمد، ولی الحمدلله آمدند و تلاش هم کردند روزی 14-15 ساعت زحمت کشیدند.

شما ببینید آقای «عرعور» که با اسم «عرعور» آشنا هستید، ایشان 17 سال در فضای رسانه‌ای یکه تاز میدان بود؛ حتی در «شبکه المستقله» با آقای «دکتر ابو زهرا» و آقای «تیجانی» و ... بحث کرد نتوانستند از پس او بر بیایند.

ولی آقای «ابوالقاسمی» با ایشان سه چهار سال قبل در «شبکه ولایت» شبکه به شبکه مناظره گذاشتند، ایشان حدود یک ربع توانست طاقت بیاورد و بعد نتوانست و فرار کرد. در تمام سایت‌های فضای مجازی اهل سنت نوشتند که آقای «عرعور» از «ابوالقاسمی» شکست خورد و «شبکه وصال عربی» برنامه ایشان را برای همیشه تعطیل کرد. البته «هذا من فضل ربی»!

ان شاء الله دوستان یک مقداری با عزیزان مان که هم جوان هستند تماس گرفتن شما با این‌ها بهتر است تا ما، کبوتر با کبوتر باز با باز. یک مقدار با این‌ها ارتباطات را بیشتر بکنید. بنده هم در حدی که توان داشته باشم ان شاء الله در خدمت‌تان هستم.

### پرسش:

بسم الله الرحمن الرحيم، از دوستان تشکر می‌کنیم مخصوصاً از حضرتعالی تشکر می‌کنیم که وقت گذاشتید و تشریف آوردید. در مورد مثلثی که فرمودید (معرفت افزایی، شبهه زدایی و روشن گری) این در مورد دو گروه بود؛ جوانان و جماعت اهل سنت در مرحله اول همان معرفت است؛ یعنی تعلیم معارف اهل بیت است بعد شبهه زدایی و روشن‌گری. آیا بین این‌ها تقدمی است؟

### آیت الله حسینی قزوینی:

من خودم در مناظرات، رسم بر این بوده که قبل از معرفت، هجمه را جلو می‌انداختم، من معمولاً این طوری بودم.

یعنی اول طرف را خلع سلاح می‌کنید، بعد که او را خلع سلاح کردید و نسبت به اعتقاداتش متزلزل کردید، بعد شروع به معرفت افزائی و شبهه زدائی می‌کنید.

بنده بر این عقیده هستم که پاسخ‌های نقضی زمینه را برای تبیین و شبهه زدائی فراهم می‌کند؛ ولی بعضی از آقایان می‌گویند ابتدا باید تبیین و شبهه زدائی بشود بعد این‌جا بیاید؛ ولی عقیده من خلاف عقیده برخی از اساتید بزرگوار خودمان هست. من معتقد هستم جواب‌های نقضی تأثیرش بیش‌تر از جواب‌های عقلیه است.

**پرسش:**

حاج آقا، چهار تا استاد را یک بار دیگر معرفی می‌کنید؟

**آیت الله حسینی قزوینی:**

حاج آقای «ابوالقاسمی»، حاج آقای «یزدانی»، حاج آقای «روستایی» و حاج آقای «عباسی».

البته آقای «شریفی» ما که مکلا هستند و خیلی حوزه ندیدند ولی از حوزوی‌های ما، ماشاء الله در بحث‌های جدلی، مناظرات با وهابی‌ها مخصوصاً در «احمد الحسن» ایشان ماشاء الله ید طولائی دارند و «احمد الحسنی»‌ها به خون ایشان تشنه هستند، مدام آرزو می‌کنند که ایشان کی به شهادت می‌رسد که ما حلوایش را بخوریم!!

**پرسش:**

استاد از شما تشکر می‌کنم، من یک حدیثی را که شما در سایت ولی‌عصر گذاشتید گوش دادم در کتاب دیدم بحث شده که سلسله حدیث اثنی عشر را اهل سنت فقط یک سلسله قبول دارند، نه همه سلسله احادیث را؛ یعنی خود این حدیث را همه سلسله احادیث را قبول ندارند.

**آیت الله حسینی قزوینی:**

شما به «فتح الباری» جلد 13، صفحه 180-181 مراجعه کنید، «ابن حجر» از استوانه‌های علمی اهل سنت است. این‌ها می‌گویند اهل سنت عیال سفره این سه چهار نفر «ابن حجر عسقلانی»، «مزی»، «ذهبی» هستند، این را خودشان دارند.

اگر این سه چهار تا را از این‌ها بگیری هیچی ندارند «ابن حجر» در «فتح الباری» صفحه 181 حدیث خلفای اثنی عشر را کاملاً مطرح کرده که مراد پیغمبر چه بوده آمده از «ابن جوزی» و ... نقل کرده آخرش هم گفته الاغمان از گرگی دم نداشت. ما فرمایش پیغمبر را نفهمیدیم که مراد از این حدیث چیست!؟

اصلاً شما کاری به این نداشته باشید عرض کردم در هر جای ما باید یک شاه کلید داشته باشیم. این شاه کلیدها را باید در مطالعاتتان انتخاب کنید. این‌ها را در موبایل‌تان در کامپیوترتان و ... داشته باشید و در هر جای نروید سراغ فرعیات نروید بروید ریشه را بزنید.

شما بفرمایید از «ابن حجر» بالاتر که شما ندارید ایشان کوچک‌ترین اشکالی نه سندی کرده در دلالتی آن گنج شده، از «ابن بطلال» و ... حتی از «ابوبکر ابن عربی» خبیث نقل می‌کند می‌گوید من از هر عالمی و از هر کسی سوال کردم و مطالعه کردم ندیدم کسی معنای حدیث پیغمبر را فهمیده باشد. چون نمی‌توانند.

خود «ابن حجر» می‌گوید ابوبکر اولی است، عمر دومی است تا امام حسن پنجمی است «معاویه» ششم است؛ به «یزید» می‌رسد گیر می‌کند. «یزید» و خلفاء اثنی عشر! «یزید» قاتل امام حسین می‌تواند خلفاء اثنی عشر باشد؟

همین‌طور «ولیدی» که قرآن را با تیر می‌زند و داغون می‌کند، شراب می‌خورد با حالت مستی نماز صبح را چهار رکعت و یا سه رکعت می‌خواند می‌تواند خلیفه باشد؟ نمی‌تواند بعد دو سه نفر هم از «بنی العباس» اجاره می‌کند به این طرف می‌آورد، آخرش هم می‌گوید ما نفهمیدیم!!

خدایا به حق حضرت زهرا فرج مولای ما بقیة الله الاعظم نزدیک بگردان. ما را از یاران خاص آن بزرگوار قرار بده. انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.



خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالاخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری  
از جمیع گرفتاران بنما. حوائج همه حوائج ما برآورده نما. دعاهاى ما به اجابت برسان.  
هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین صالحین بالاخص امام راحل صلوات.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته